

ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره‌های آن چه می‌گویند؟

محمد رضا ممدوحی*

اشاره

نویسنده محترم این مقاله طی یادداشتی که همراه مقاله ارسال فرموده‌اند بیان کرده‌اند: «از آنجا که ممکن است و یا بایستی مندرجات مجله کانون ملاک عمل همکاران محترم قرار گیرد و در پاراگراف آخر صفحه ۱۹۱ مجله شماره ۱۹ (تیر و مرداد ۱۳۷۹) ذیل بخش «بحثی پیرامون سن رشد» نتیجه گرفته شده است که «پس سن رشد را در همه افراد مراجعه کننده... به تنظیم سند اقدام نمایند» نظر آن جنابان را به متن نوشته‌ای تحت عنوان «ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره‌های آن چه می‌گویند؟ جلب می‌کنم» که به درج آن اهتمام می‌شود:



پڙو، شڪاهه علوم انساني و مطالعات فرېنڊي
پرئال جامع علوم انساني

یکی از مهمترین روابط موجود در جوامع، مراودات تجاری و انجام معاملات و اعمال امور حقوقی است. بنابراین در جوامع مختلف و بر حسب دین و اعتقادات و عادات مرسوم آنها، نیاز به وجود قوانین و مقررات مدون، برای تحکیم روابط حقوقی و انجام معاملات بدیهی است. در صورت وجود نقض، تناقض، ابهام یا ایهام، نظم جوامع آنچنان که لازم است، برقرار نخواهد ماند. بدیهی است، عدم وحدت رویه صحیح، موجب اختلال در روابط و سرگردانی اصحاب معامله و بلا تکلیفی و تردید مسوولان انجام امور، بی سامانی و ازدحام و درهمی بیش از حد معقول و معمول مراجع انتظامی و قضایی خواهد شد.

پس مقررات بایستی بسیار گویا و روشن باشد و چنانچه در معنی و درک آن، مفاهیم مختلفی برداشت شود، بلافاصله نسبت به ایجاد وحدت رویه صحیح، اقدام گردد.

یکی از موارد بسیار مهمی که اکنون در مورد آن دیدگاههای متفاوتی وجود دارد، سنّ اصحاب معامله است، و اینکه چه کسی با چه سنی و با چه شرایطی حق انجام معامله و تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی را دارد.

موضوع مطرح شده در اینجا منحصر به تنظیم اسناد و انجام معاملات در دفاتر اسناد رسمی است که یحتمل قابل تشریح به سایر موارد حقوقی نیز خواهد بود. در قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶، که باب سوم آن در ثبت اسناد

و باب چهارم آن در خصوص دفاتر اسناد رسمی می‌باشد، هیچ‌گونه اشاره‌ای به سن امضا کنندگان اسناد نشده است که شاید این سکوت به اعتبار مواد ۱۹۰ و ۲۱۰ الی ۲۱۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ به شرح ذیل بوده است:

ماده ۱۹۰- برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

(۱) قصد طرفین و رضای آنها (۲) اهلیت طرفین

(۳) موضوع معین که مورد معامله باشد (۴) مشروعیت جهت معامله

ماده ۲۱۰- متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند.

ماده ۲۱۱- برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند، باید بالغ و عاقل و رشید باشند.

ماده ۲۱۲- معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است.

ماده ۲۱۳- معامله مجبورین نافذ نیست.

با امعان نظر به مواد فوق که یکی از شروط اساسی صحت معامله را اهلیت طرفین می‌داند و سه شرط (بلوغ، عقل و رشد) را برای اهل بودن لازم شمرده چنین می‌توان نتیجه گرفت که سن انجام دهنده معاملات در آن زمان سن بلوغ شرعی و رشد بوده است. (در مورد بلوغ و رشد در ذیل و بطور نسبتاً مفصل توضیح داده خواهد شد.) تا آنکه در مورخه ۱۳۱۳/۶/۱۳ قانون راجع به رشد متعاملین به شرح ذیل به تصویب می‌رسد:

«ماده واحده- از تاریخ اجرای این قانون در کلیه معاملات و عقود و ایقاعات به استثنای نکاح و طلاق، محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند، اعم از ذکور و اناث، غیر رشید بشناسند مگر آن که رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد، اشخاصی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده‌اند، در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر این

که عدم رشد آنها به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد، مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آن که خلاف آن ثابت شود.»

در این ماده واحده هم به رشد اشاره شده و اینکه اگر کسی قبل از این که به سن ۱۸ سال تمام شمسی برسد می‌تواند پس از مراجعه به محاکم و اخذ حکم رشد، اقدام به انجام معامله بنماید.

مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ از کتاب دهم قانون مدنی در حجر و قیمومت (مصوب ۱۳۱۴/۷/۱) بیان می‌دارد:

ماده ۱۲۰۹- هرکس که دارای ۱۸ سال تمام شمسی نباشد در حکم غیر رشید است مع ذلک در صورتی که بعد از ۱۵ سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج می‌شود.

ماده ۱۲۱۰- هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به ۱۸ سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

این مواد از قانون مدنی مشابه ماده واحده قانون راجع به رشد متعاملین است، با این تفاوت که در ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی ۱۵ سال تمام را حداقل سن کسی می‌داند که می‌تواند به محکمه در خصوص اخذ رشد مراجعه نماید.

با توجه به موارد فوق اصولاً در دفاتر اسناد رسمی اشخاص می‌توانند اقدام به انجام معامله و امضای ذیل اسناد را بنمایند که دارای ۱۸ سال تمام شمسی بوده باشند و اشخاص با سن کمتر را دفاتر اسناد رسمی و با توجه به موارد فوق‌الذکر، صغیر و غیر رشید محسوب داشته و ولی آنها به ولایت از طرف صغار غیر رشید اقدام به انجام معامله می‌نمود و این روال در دفاتر اسناد رسمی حاکم بود تا آن که براساس قانون اصلاح موادی از قانون مدنی-منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۱۰۸۴- ۶۱/۱۲/۲۱ تعداد معدودی از ۱۳۳۵ ماده آن قانون اصلاح گردید و برای مدت پنج سال از تاریخ تصویب به صورت آزمایشی به اجرا در آمد. طبق این اصلاحیه ماده ۱۲۱۰ بدین

«هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.» اصلاح و دو تبصره به شرح ذیل به آن الحاق گردید:

تبصره ۱- سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

تبصره ۲- اموال صغیری را که بالغ شده باشد در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

با دقت در اصلاحیه فوق می‌توان دگرگونی اساسی خاصی را در خصوص سن اصحاب معامله، مشاهده نمود. در سال ۱۳۷۰ «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی» تصویب گردید و این بار نه برای مدت معین و نه به صورت آزمایشی و در روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۱۴ - ۷۰/۹/۱۱ منتشر گردید. و بر طبق ماده ۳۱ آن، ماده ۱۲۰۹ (که شرح آن در بالا به نظر رسید) بکلی حذف و بر اساس ماده ۳۲ آن، ماده ۱۲۱۰ اصلاح و دو تبصره به آن الحاق گردید (متن آنها پیشتر به نظر رسید). مطابق اصلاحیه سال ۱۳۶۱ برای آنکه بهتر و صحیح‌تر بتوان این ماده و تبصره‌های آن را درک نمود و نتیجه قابل قبول‌تری از آن گرفت به چند مرجع دیگر مراجعه می‌گردد.

الف- در صفحه ۱۹۰ جلد ۲ مسائل اقتصادی، رساله نوین، تحریرالوسیله امام خمینی (ره) - ترجمه و توضیح‌های عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ایشان شرایط خریدار و فروشنده را در معامله به صورت ذیل بیان می‌دارند.

«شرایط خریدار و فروشنده در معامله عبارتست از: ۱- بلوغ، ۲- خرد، ۳- قصد معامله...»

در صفحه ۱۴۳ مجلد مرقوم، تصرف ممنوع (حجر) از نظر شرعی بدین صورت بیان می‌شود: «حجر در لغت به معنای منع و باز داشتن و از نظر شرعی باز داشتن شخص از تصرف در مالش به علل فراوانی است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- صغر

صغر یا کسی که به حد بلوغ نرسیده، از نظر شرع (در تصرفات مالی) محجور و ممنوع است و تصرفاتش در اموال بوسیله خرید و فروش، صلح، هبه، قرض و غیره نافذ نیست...

نشانه‌های بلوغ در دختر و پسر یکی از سه چیز است:

۱- ... ۲- ... ۳- کامل شدن ۱۵ سال در پسر و ۹ سال در دختر

ب- در جلد اول ترجمه شرایع الاسلام تألیف محقق حلی ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی (منتشر شده در اسفندماه ۱۳۶۸ از مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران) در صفحه ۲۳۰ آن «کتاب حَجْر» آمده است:

«فصل اول؛ در موجبات حجر است، یعنی اسباب آن، یعنی چیزهایی که باعث آن می‌شود، و آنها شش چیز است: صغیر بودن و دیوانگی و بندگی و بیماری و مفلسی و بی‌رشدی. اما صغیر پس محجور علیه است مادامی که حاصل نشود از برای او دو صفت، یکی بلوغ و یکی رشد و دانسته می‌شود بلوغ به... و به سال، و آن رسیدن به ۱۵ سال یعنی قمری از برای مرد و در حدیثی دیگر است که هرگاه برسد مرد به ده سال و بینا باشد به معاملات یعنی رشید باشد... و زنان به ۹ سالگی دانسته می‌شود بلوغ از ایشان»

و اضافه می‌نماید:

«وصف دوم: رشد است و رشد آن است که باصلاح بیاورد مال خود را... و هرگاه جمع نشود دو وصف بلوغ و رشد، می‌باشد حجر او باقی و همچنین حجر او باقیست، اگر حاصل نشود او را رشد، هرچند فرو رود در سن، یعنی سال بسیار به هم رساند. و دانسته می‌شود رشد او به آزمایش او به آنچه مناسب حال او باشد از تصرفها، تا معلوم شود قوه او بر نبرد نمودن از روی زیرکی و معاملات، و خودداری از گول خوردن و همچنین امتحان می‌شود دختر، و رشد او، به اینکه خودداری کند از متفرق کردن مال بیجا و بی‌مصرف، یعنی اسراف...»

حال با مذاقه عمیق، بر مطالبی که گذشت به نظر می‌رسد می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱- اگر پدری به ولایت از طرف اولادش که به سن بلوغ رسیده (طبق مستندات فوق‌الذکر، فتاوی امام (ره) و علامه حلی و تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانونی مدنی، در پسر ۱۵ سال کامل قمری و در دختر ۹ سال کامل قمری) بخواهد معامله‌ای انجام دهد بایستی گواهی عدم رشد فرزند خود را از محکمه صالحه اخذ و ارایه نماید، زیرا ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، اصلاح شده در سال ۱۳۷۰ حکم می‌کند: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.»

۲- شخص بالغی که می‌خواهد معامله‌ای انجام دهد بایستی گواهی رشد معتبر از محکمه صالحه اخذ نموده باشد، زیرا اولاً، امام (ره) شرط دوم خریدار و فروشنده را خرد دانسته‌اند. ثانیاً، مرحوم محقق حلی، دو شرط بلوغ و رشد را شرط عدم خبَر دانسته‌اند. ثالثاً، تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی می‌گوید: «اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.»

در مورد بند اخیر اگر شخصی دارای ۱۸ سال تمام شمسی باشد با توجه به آن قسمت از ماده واحده قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ که می‌گوید: «اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند»، مسلماً نیازی به اخذ گواهی رشد نخواهد بود.

امام علی بن ابیطالب علیه السلام

کن سمحاً و لا تکن مبذراً و کن مقتصداً و لا تکن مقتراً

بخشنده باش نه با تبذیر، و اندازه نگهدار و بر خود سخت مگیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فریبگی
پرتال جامع علوم انسانی